

عناوین مجرمانه فراگیر و چالش‌های حقوقی و جرم‌شناختی آن در سیاست کیفری ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۱۲

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۰۶/۲۲

سید محمود میرخلیلی^۱

علیرضا نیک‌منش^۲

شهرداد دارابی^۳

چکیده

گاهی یک عنوان کلی نظیر رفتار مخلّ نظم، رفتار منافی عفت عمومی، رفتار خلاف شئون روحانیت و نظایر آن به‌گونه‌ای جرم‌انگاری شده است که با دامنه‌ای وسیع، عناوین فراگیر متعدد دیگری را نیز دربر می‌گیرد. این نوع جرم‌انگاری باعث ایجاد چالش‌های متعدد حقوقی و جرم‌شناختی از قبیل نقض اصل قانونی بودن جرم و مجازات، ایجاد عنوان ثانویه برای انبوهی از جرایم، جرم‌انگاری افراطی، سردرگمی مردم نسبت به قوانین، و بی‌اعتباری برخی قوانین کیفری و در نتیجه، افزایش بزهکاری و امثال آن خواهد شد. دادن اختیار جرم‌انگاری و تعیین رفتارهای مجرمانه به مقامات قضایی موجب می‌شود علاوه بر تضییع حقوق افراد و نقض قاعده قبح عقاب بلایان، احترام و جایگاهی که برای قوانین در جامعه وجود دارد مخدوش گردد. در این تحقیق با روش توصیفی-تحلیلی، علاوه بر توصیف عینی، واقعی و منظم خصوصیات موضوع و بیان اطلاعات موجود راجع به آن، به‌منظور بهبود شرایط فعلی و در جهت ارائه راهکارها و الگوهای پیشنهادی در زمینه موردبحث، تلاش شده است تبیین و تحلیل بایسته‌های موضوع برای کشف و تحصیل حقیقت انجام پذیرد. نگارندگان مقاله درصددند تا ضمن بررسی آسیب‌های موصوف، به راهکارهای برون‌رفت از آن دست یابند که در این خصوص می‌توان به تحدید دامنه استنباط شخصی و اختیارات مقام قضایی اشاره کرد.

واژگان کلیدی: اخلال در نظم عمومی، اصل قانونی بودن، جرم‌انگاری، جرم فراگیر.

۱. Mirkhalili@ut.ac.ir

۲. Nikmanesh2020@gmail.com

۳. Shahrdad.darabi@yahoo.com

۱. دانشیار دانشگاه تهران، ایران (نویسنده مسئول)

۲. دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی پردیس ارس دانشگاه تهران، ایران

۳. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم، ایران

مقدمه

یکی از مهم‌ترین فرایندهایی که سیاست کیفری در جهت مقابله با بزهکاری اتخاذ می‌کند جرم‌انگاری و پیش‌بینی ضمانت اجرای کیفری است. جرم‌انگاری می‌بایست تابع اصول و قواعد خاص علمی باشد. چالش‌های زیادی در جرم‌انگاری وجود دارد که یکی از آنها موضوع این پژوهش است. چنانچه قانون‌گذار رفتاری را مورد جرم‌انگاری قرار دهد که عناوین فراگیر متعددی ذیل آن قرار گیرد، در این صورت چالش‌های متعدد تقنینی در حوزه جرم‌انگاری به وجود خواهد آمد. فرایندهای تقنینی به‌ویژه در حوزه جرم‌انگاری باید از شفافیت در تعیین حدود رفتار و واکنشی که از سوی قانون‌گذار علیه آن تعیین و پیش‌بینی می‌شود، برخوردار باشد. شیوه تقنینی فعلی ممکن است موجب بروز پیامدهای مختلفی از جمله تعارض با اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها شود، چراکه قانون‌گذار کلیت رفتارهای مجرمانه را تعیین نکرده، قضات به‌جای قانون‌گذار این کار را انجام می‌دهند.

در بحث چگونگی روش تحقیق با توجه به ماهیت موضوع، شیوه گردآوری اطلاعات و اساساً ساختار و سازمان تحقیق توصیفی-تحلیلی است. با توجه به این مطلب، در خصوص بحث حاضر، نخست ماهیت و قلمرو موضوع توصیف می‌شود، آنگاه بر اساس یافته‌های مربوط، جایگاه مبنا و حدود جرم‌انگاری در قانون و رویه قضایی و آثار آن در عرصه حقوق با رویکرد به نظام حقوقی ایران مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد.

تاکنون پژوهشی مستقل در خصوص موضوع حاضر مشخصاً صورت نگرفته است، ولیکن در اینجا به برخی از پژوهش‌های انجام‌شده اشاره می‌شود: در پژوهشی تحت عنوان «تناسب جرم و مجازات از دیدگاه اسلام» بیان شده که اصل تناسب جرم و مجازات از مهم‌ترین اصول جزایی اسلام و از واجبات و الزامات مجریان حکومت اسلامی است. تأکید اسلام بر حد و مرز مشخص و معین برای مجازات‌ها از اینجا ناشی می‌شود که اسلام برای هر چیز اندازه و حدی قرار داده است؛ خصوصاً برای مجازات‌ها که تحمیل درد و رنج و الزام خاص به انسان‌هاست و فقط بر اساس ضرورت‌ها تعیین می‌شود و تا آن اندازه مجاز است که برای جلب مصلحت و دفع مفسده باشد و بیش از آن، تأثیرات و مقاصد شارع مقدس را زایل می‌کند.

در مقاله «گفتمان فقهی و جرم‌انگاری در حوزه جرایم علیه امنیت ملت و دولت» با اذعان به اینکه آموزه‌های فقهی در مسیر امنیت اقتصادی، اجتماعی، روانی، فرهنگی و سیاسی جامعه اسلامی کارکردهای ویژه خویش را داشته و جرایم و مجازات‌های اسلامی به منظور حمایت از دین، عقل، نسل، جان و مال به‌عنوان مصالح موردنظر شریعت تبیین شده است^۴، موضوع بحث در اینجا بررسی اجمالی جرم محاربه و بغی به‌عنوان شاخص‌ترین جرایم علیه امنیت ملت و دولت است. محاربه و افساد فی الارض و مقررات راجع به بغی در اسلام از مباحث مهمی است که اولی در حوزه جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی شهروندان کشور اسلامی و دومی در حوزه جرایم علیه موجودیت دولت اسلامی در منابع فقهی مورد بحث قرار گرفته است.

در مقاله دیگری با عنوان «مبانی جرم‌انگاری جرایم اقتصادی در فقه امامیه» آمده است که اقتصاد در عصر مدرنیته و با شکل‌گیری دولت، معنا و مفهوم وسیع و نوینی یافته و وارد عرصه ارزش‌های اعتباری شده است. اعتباریات برعکس واقعیات، حوزه‌های وسیع و گسترده‌ای را دربر می‌گیرد. با این پیش‌فرض، اقتصاد از دامنه و حوزه فعالیت بسیار وسیعی برخوردار شده که مستلزم ضابطه‌مندی جدید بر اساس گزاره‌های وحیانی است.^۵

در خصوص افساد فی الارض و جرایم علیه اخلاق در برخی آثار علمی آمده است: جرایم ارتكابی علیه حوزه اخلاق همانند جرایم علیه حوزه‌های دیگر همچون اقتصاد، حیثیت معنوی، سلامت جسمی می‌تواند به صورت فردی یا گروهی و سازمان‌یافته ارتکاب یابد که طبیعتاً سازمان‌یافتگی در این حوزه‌ها سبب اعمال مجازات‌های شدیدتر برای مرتکبان خواهد بود. روایات متعدد و نظریات فقهی متقدم و متأخر حاکی از آن است که این دو عنوان چه به صورت مستقل و جداگانه و چه به صورت متحد و هم‌مصادقی، قابل تسری به جرایم علیه اخلاق در صورت سازمان‌یافتگی و با قصد براندازی نظام اسلامی است.^۶

۴. حسین، آقابابایی، «گفتمان فقهی و جرم‌انگاری در حوزه جرایم علیه امنیت ملت و دولت»، فقه و حقوق، ش ۵ (۱۳۸۴)، ص ۱۷۴.

۵. محمود، مهدوی و همکاران، «مبانی جرم‌انگاری جرایم اقتصادی در فقه امامیه»، مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، ش ۱ (۱۳۹۶)، ص ۱۱۸.

۶. علی، غلامی، «افساد فی الارض و جرایم علیه اخلاق»، پژوهشنامه حقوق اسلامی، ش ۲ (۱۳۸۹)، ص ۲۱.

با توجه به این که این نوع جرم انگاری به حتمیت و قطعیت در نظام کیفری نیز آسیب می زند باید شدیداً مورد توجه و آسیب شناسی قرار گیرد. امروزه بنیادهای زیادی دست قاضی را در تعدیل کیفر باز گذاشته است.^۷

ابتدا به بیان مفاهیم و نظریه‌های مربوط، به‌ویژه مفهوم جرم فراگیر که تاکنون مورد بحث قرار نگرفته است، می‌پردازیم. در ادامه، ابتدا چالش‌ها و پیامدهای حقوقی این نوع جرم‌انگاری و سپس تأثیر این اقدام بر افزایش بزهکاری و راهکارهای برون‌رفت از آن را از منظر جرم‌شناسی مورد بررسی قرار خواهیم داد

۱. مفهوم جرم فراگیر

جرم فراگیر اشاره به نوعی جرم‌انگاری دارد که قانون‌گذار با استفاده از یک عنوان بسیار کلی و فراگیر، طیف گسترده‌ای از رفتارها را مشمول جرم‌انگاری قرار داده، تعیین عناوین و مصادیق آن را برعهده مقام قضایی می‌گذارد. در منابع حقوقی در خصوص جرایم فراگیر تعریفی موجود نیست، زیرا تاکنون این اصطلاح مورد توجه حقوق‌دانان و اندیشمندان علوم جنایی قرار نگرفته است. در منابع خارجی از این جرایم با اصطلاحاتی مانند رفتارهای عام‌الشمول یا رفتار دربرگیرنده همه جرایم یاد می‌شود.^۸

این منابع بیشتر به «رفتار مخل نظم»^۹ به‌عنوان بارزترین مصداق عنوان جرایم فراگیر اشاره نموده‌اند، زیرا این عنوان رفتارهای متنوعی مانند مست بودن در ملاً عام، پرسه زدن در نواحی خاص و برهم زدن آرامش عمومی و امثال آن را دربر می‌گیرد.^{۱۰}

در مواردی مقرراتی وضع می‌شود که یک عنوان مجرمانه تعداد زیادی از عناوین مجرمانه را دربر می‌گیرد، ولی نقض هیچ‌کدام از مبانی و اصول حقوق جزا و جرم‌شناسی نیست. برای مثال، در مقررات بین‌المللی عضویت در گروه‌های مجرمانه به‌ویژه تروریستی

۷. مصطفی، افشین پور و مهدی، نقوی، سیاست کیفری ناهمگون قانون مجازات اسلامی در تعدیل کیفر، مجله مطالعات حقوق تطبیقی معاصر، شماره ۲۳، (۱۴۰۰)، صص ۱-۲۴.

8. Dictionary Cambridge available on: < <https://dictionary.cambridge.org/dictionary/english/catch-all> >

9. Disorderly Conduct

10. Dubler, Robert & kalyk, Matthew, Crimes against humanity in the 21st century, Brill Nijhoff publication, Boston, 2018, p. 951.

موجب می‌شود عضو به‌عنوان معاون همه جرایم ارتكابی آن گروه شناخته شود؛ هرچند در هیچ عملیات مجرمانه‌ای مشارکت یا معاونت نداشته باشد. از این موضوع تحت عنوان «Cathch all Provisions» یاد شده است.^{۱۱}

بر اساس اصول قانون‌گذاری مصداق رفتار مجرمانه باید در قوانین کیفری به صورت شفاف و مشخص بیان شود و واکنش در مقابل آن نیز باید همین‌گونه روشن و مشخص باشد. اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها اقتضا دارد تعیین رفتارهای مجرمانه و نوع واکنش علیه آن فقط از سوی قانون‌گذار تعیین گردد.^{۱۲} تردیدی نیست که هر عنوان مجرمانه مصادیق متعدد و متنوعی دارد که از سوی مراجع قضایی با مصادیق آنها تطبیق داده می‌شود. قتل عمد ممکن است مصادیق مختلفی در قالب فعل یا ترک فعل با انگیزه‌های مختلف داشته باشد، اما این وظیفه قاضی است که تطبیق این رفتارها را با عنوان مجرمانه قتل عمدی احراز نماید. اما موضوع جرایم عام و فراگیر، مربوط به عناوینی است که کلی بوده و موضوعات کلی متعددی را شامل می‌شود. قانون‌گذار در مواد مختلفی (۳۶ و ۵۵۷ و ۱۵۰، ۲۸۶، ۴۲۸، ۶۱۸، ۶۱۲، ۶۱۴ و ۶۸۷) از قانون مجازات اسلامی به اخلال در نظم عمومی و یا برای مثال ماده ۶۱۱ قانون یادشده در کتاب تعزیرات که با موضوع تبانی برای ارتكاب جرم علیه اعراض یا نفوس یا اموال است به‌عنوان یک رفتار مجرمانه اشاره کرده است. در موارد دیگری مانند آیین‌نامه دادگاه ویژه روحانیت، هرگونه رفتار مغایر شئون روحانیت جرم‌انگاری شده است.

بنابراین آنچه از معنی و مفهوم جرایم فراگیر برمی‌آید، می‌توان آن را به این معنی تعریف کرد: «هر عنوان مجرمانه‌ای که در قانون پیش‌بینی شود که شامل رفتارها و مصادیق متعدد گردد می‌توان جرم عام یا فراگیر دانست».

۱.۱. جلوه‌های عنوان مجرمانه فراگیر در مقررات ایران

در این بخش، قانون‌گذار رفتارهایی را با عنوان جرایم فراگیر و با ویژگی‌های یادشده، در قوانین مختلفی از جمله قانون مجازات اسلامی، قانون مجازات اخلالگران در نظام اقتصادی

11. Werle, Gerhard, Individual Criminal Responsibility in Article 25 ICC Statute, at International Criminal Court on November 27: <http://icj.oxfordjournals.org> 2014, p. 970.

۱۲. رضا، نوربها، زمينه حقوق جزای عمومی، (تهران: گنج‌دانش، ج ۷، ۱۳۸۰)، ص ۲۳۷.

کشور، آیین‌نامه داسراها و دادگاه‌های ویژه روحانیت و قانون آیین دادرسی کیفری آورده است که در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرند.

۱.۱.۱. اخلال در نظم عمومی

اخلال در نظم عمومی یکی از عناوین کلی است که قانون‌گذار از گذشته تاکنون در موارد عدیده مورد استفاده قرار داده است. نخستین قانونی که در حفظ نظم و امنیت عمومی تصویب شد، قانون حفظ امنیت اجتماعی در سال ۱۳۳۵ بود. به موجب این لایحه در ماده ۱ مقرر شده است: «برای حفظ نظم و امنیت عمومی در هر حوزه‌ی فرمانداری، کمیسیون به عنوان کمیسیون امنیت اجتماعی که مرکب از فرماندار، رییس دادگاه شهرستان مربوطه و دادستان به ریاست فرماندار به انضمام نماینده‌ی نخست‌وزیر تشکیل می‌شود». در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مواد ۱۵۰، ۲۸۶، ۴۲۸، و نیز ۶۱۲، ۶۱۴، ۶۱۸ و ۶۸۷ بخش تعزیرات، قانون‌گذار اخلال در نظم عمومی را به عنوان عنصر مادی جرم در نظر گرفته که دارای مصادیق گسترده‌ای است؛ از جمله آن، ماده ۶۱۸ کتاب پنجم قانون یادشده، اخلال در نظم و آسایش و آرامش عمومی از طریق هیاهو و جنجال، حرکات غیرمعارف یا تعرض به افراد که به طور مستقل جرم‌انگاری شده و مطابق آن مقنن وقوع جرم را به دو شرط مقید کرده است:

نخست، رفتار مرتکبان منجر به «اخلال در نظم و آسایش و آرامش عمومی گردد»،
دوم، در صورتی که رفتار مرتکبان «مردم را از کسب و کار» بازدارد، عنوان مجرمانه خواهد یافت.

افزون بر این با توجه به واژه‌های «عمومی» و «مردم» که مورد اشاره قانون‌گذار قرار گرفته، وقوع اخلال نیازمند به بیش از یک نفر است؛ لذا نمی‌توان هیاهو و جنجالی را که منجر به اخلال در آسایش یا مانع از کسب‌وکار یک نفر می‌شود مشمول ماده قرار داد. اگر عملی در قانون به عنوان جرم شناخته نشده باشد، هرچند که اخلال در نظم عمومی باشد، به موجب اصل قانونی بودن جرم و مجازات، قابل تعقیب و مجازات نیست^{۱۳} بنابراین،

۱۳. محمدعلی، اردبیلی، حقوق جزای عمومی، ج ۲، (تهران: میزان، ۱۳۹۳)، ص ۲۴.

نمی‌توان به سلیقه و براساس تشخیص خود امری را محل نظم اجتماعی و عمومی دانست. در این صورت ممکن است یک قاضی عملی را اخلال در نظم عمومی تلقی نماید و دیگری آن را اخلال تلقی نکند؛ زیرا وقتی تعریفی از جرمی وجود ندارد، قضات دچار مشکل شده، به این ترتیب، اختلاف سلیقه‌ها، اختلافات سیاسی و تفاوت دیدگاه حقوق‌دانان باعث می‌شود در مصادیق این نوع جرایم اختلاف ایجاد گردد.

موضوع مورد توجه این است که رفتارهای یادشده در این ماده یعنی هیاو و جنجال و حرکات غیرمعارف ذاتاً جرم نیستند و فقط در صورتی که به اخلال در نظم منجر شوند، جرم خواهند بود. و اینکه باید یک معیار و ضابطه دقیق برای اخلال در نظم یا سلب آسایش عمومی و از کسب و کار بازداشتن وجود داشته باشد، از جمله ایجاد رعب و وحشت عمومی یا بستن خیابان و جاده به نحوی که رفت و آمد شهروندان مختل گردد یا باعث تجمع غیرضرور و غیرطبیعی در بیش از چند ساعت با ایجاد همه‌مه و سروصدا که منجر به تعطیلی بازار و کسبه محل یا ادارات منطقه شود.

۱.۱.۲. عمل منافی عفت

ماده ۶۳۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ مقرر می‌دارد: «هرگاه زن و مردی که بین آنها علقه‌ی زوجیت نباشد مرتکب روابط نامشروع یا عمل منافی عفت غیر از زنا از قبیل تقبیل و مضاجعه شوند، مجرم شناخته می‌شوند». رابطه نامشروع و عمل منافی عفت از جمله عناوین فراگیر است که قانون‌گذار در نظر گرفته و واژه‌های تقبیل و مضاجعه تمثیلی است. لذا بر اساس این ماده قاضی مجاز می‌شود هر نوع رفتاری بین زن و مردی را که علقه زوجیت نداشته باشند، تحت این عنوان قرار داده، افراد را در جامعه محدود نموده، حتی مجازات کند. با توجه به مجازات‌های سنگینی که درباره بسیاری از جرایم منافی عفت مقرر است و با عنایت به اینکه در جامعه کنونی برداشت‌های مختلف و متفاوتی از این نوع جرایم وجود دارد، بهتر است قانون‌گذار کلیه جرایم منافی عفت را با دقت تعیین، احصا و معرفی نماید یا لاقلاً ضابطه‌ای ارائه دهد تا به کمک آن بتوان این نوع جرایم را شناخت. بدیهی است اتخاذ این روش می‌تواند به بسیاری از ناهماهنگی‌های موجود در این راستا پایان دهد. با عنایت به اصل قانونی بودن جرم و مجازات که مورد قبول و احترام جوامع بشری است و

با فقدان نص خاص، جرم انگاشتن برخی از اعمال منافی عفت (از جهت عرفی) محل تردید است. مراجع قضایی «اینگونه اعمال را در بعضی موارد از مصادیق فعل حرام دانسته و بر آن مینا، برای مرتکبین مجازات تعیین می‌کنند»^{۱۴}.

در ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ نیز در صورتی که فردی مرتکب عملی شود که نفس آن عمل دارای کیفر نبوده ولی عفت عمومی را جریحه‌دار نماید، مجرم شناخته می‌شود و به کیفر حبس و شلاق محکوم خواهد شد. جریحه‌دار کردن عفت عمومی نیز یک عنوان فراگیر و سلیقه‌ای است که چالش‌های مورد بحث ما در این خصوص است که در ادامه به آن پرداخته می‌شود.

همچنین فعل حرام در اسلام، عملی است که انجام آن ممنوع و ترک آن از مردم خواسته شده است^{۱۵} و شخص مکلف در صورت انجام فعل حرام، گناهکار است^{۱۶}. نسبت به این گفتار مشهور فقها: «کل ذنب غیر موجب للحد، موجب التعزیر» یا «التعزیر لکل عمل محرم» نص و دلیل روشنی وجود ندارد^{۱۷}.

طبق ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ که اکنون نیز لازم‌الاجرا است، تظاهر به عمل حرام در انظار و اماکن عمومی و معابر به صورت علنی جرم تلقی شده و حبس و شلاق برای آن پیش‌بینی شده است. جالب توجه اینکه این ماده حتی قید کبیره را هم ندارد و در گستره پهنای فقه هرکس مرتکب عملی شود که به فتوایی حرام باشد قابل مجازات است. پیامدهای این نوع جرم‌انگاری مواردی از قبیل جرم‌انگاری افراطی و هم‌پوشانی با جرایم موجود در قانون است.

قانون‌گذار عادی با توجه به اطلاق عبارت اصل مزبور و تعبیر نادرست از آن و بدون توجه به سایر اصول قانون اساسی و اصول حقوقی، مراجعه قاضی به منابع فقهی را در

۱۴. محمود، آخوندی، «اثبات جرائم منافی عفت از نگاهی دیگر»، مجله مطالعات راهبردی زنان، ش ۲۲ (۱۳۸۲)، ص ۴.

۱۵. ناصر، مکارم شیرازی، دائرةالمعارف فقه مقارن، ج ۱، (قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب، ۱۳۸۵)، ص ۴۳۰.

۱۶. سید محمود، هاشمی شاهرودی، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت، (قم: مؤسسه دائرةالمعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت، ۱۴۲۶ ق)، ص ۲۹۱.

۱۷. سید احمد، خوانساری، جامع المدارک فی شرح المختصر النافع، ج ۷، (قم: مؤسسه اسماعیلیان، ج ۲، ۱۴۰۵ ق)، ص ۱۱۴.

دعاوی کیفری جایز دانسته است، اما از آنجا که این امر به خلق جرم و جعل کیفر خواهد انجامید، با اصل قانونی بودن جرم و مجازات و اصل تفکیک قوا و نیز اصل صلاحیت انحصاری قوه مقننه در وضع جرم و مجازات منافات دارد. لذا تفسیر منطقی اصل ۱۶۷ قانون اساسی ایجاب می‌کند که با توجه به پذیرش اصل قانونی بودن جرم و مجازات در قانون اساسی، اجازه مراجعه به منابع فقهی در دعاوی کیفری، منصرف از مواردی است که به خلق جرم و مجازات منجر می‌شود. بنابراین در ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی مراجعه به منابع فقهی، با قانون اساسی و موازین شرعی مغایر است و مصلحت اقتضا دارد قانون‌گذار نسبت به اصلاح یا لغو ماده یادشده اقدام کند و در صورت لزوم اصلاح آن، عنایت بیشتری به قانون اساسی داشته باشد.^{۱۸}

۱.۱.۳. اخلال در نظام اقتصادی کشور

هر کشوری برای استقلال خود به یک نظام اقتصادی منسجم نیازمند است. نظام اقتصادی هر کشوری آن را در زمره کشورهای جهان اول یا جهان سوم قرار می‌دهد. از این رو، کوچک‌ترین اخلالی در نظام اقتصادی می‌تواند لطمات جبران‌ناپذیری را در پی داشته باشد. به همین دلیل هم قانون‌گذار اخلال در نظام اقتصادی را به صراحت جرم‌انگاری کرده است. مقنن حتی در مواردی که این جرم باعث ضررهای سنگینی شود، آن را در حکم مفسد فی‌الارض قرار داده و مجازات اعدام را برای آن در نظر گرفته است. قانون‌گذار تعریف روشنی از اخلال در نظام اقتصادی ارائه نکرده است، لیکن با کمی دقت می‌توان در ماده ۱ قانون اخلال در نظام اقتصادی و ماده ۳۶ قانون مجازات اسلامی مصادیق عناوین فراگیری را که مشتمل بر رفتارهای متعددی است، یافت. در مقررۀ قانونی نخست هرگونه خرید و فروش ارز و واردات یا صادرات کالا و یا سایر اقدامات اقتصادی ممکن است در شرایطی به‌عنوان اخلال در نظام اقتصادی کشور تلقی شده، مورد مجازات قرار گیرد؛ درحالی که ممکن است همان رفتارها در زمان دیگری هیچ‌گونه وصف مجرمانه‌ای نداشته باشند. نظر به ماده ۱ قانون مجازات اخلالگران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۹ (اصلاحی ۱۳۸۴)

۱۸. کیانوش، کوراهی مقدم و محمدجعفر، حبیبزاده، «ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی و رویارویی آن با اصل قانونی بودن جرم و مجازات»، دانشور پزشکی، ش ۳۹ (۱۳۸۱)، ص ۴۱.

و بندهای ذیل آن، اخلاکگر با اعلام موارد گسترده‌ای از فعالیت‌های ارتكابی که تاب تفسیر گسترده‌ای را دارد، مجرم شناخته شده است. همچنین، مصادیق تفسیر گسترده این جرم با این وصف که اگر موجب اخلال شدید در نظم عمومی کشور، ناامنی یا ورود خسارت عمده به تمامیت جسمانی افراد یا اموال عمومی و خصوصی، یا سبب اشاعه فساد یا فحشا در حد وسیع گردد، مطابق ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، به نحو مستقلی جرم‌انگاری شده که در نهایت، مرتکب مفسد فی الارض محسوب و به اعدام محکوم خواهد شد.

همچنین در این مقاله با توجه به مواد یک تا سه قانون مبارزه با پول‌شویی مصوب ۳ مهر ۱۳۹۷ نیز باید به جرم پول‌شویی هم اشاره کرد، چراکه نیازمند جرم با منشأ مجرمانه بوده، رفتارها و مصادیق بی‌شماری از جرایم را دربر می‌گیرد و به‌نوبه خود جرمی فراگیر محسوب می‌شود.

۱.۱.۴. افساد فی الارض

پروردگار در آیه شریفه «من أجل ذلك كتبنا على بنی اسرائیل أنه من قتل نفساً بغير نفس أو فساد فی الأرض فكأنما قتل الناس جميعاً» (مائده: ۳۲) بیان فرموده است: «به این جهت بر بنی اسرائیل مقرر نمودیم هر کس نفسی را بدون حق قصاص و یا بی‌آنکه فسادی در روی زمین کرده باشد به قتل برساند، مانند آن است که همه مردم را کشته باشد». برخی از فقها با استناد به این آیه شریفه، معتقدند قتل هر انسانی در صورتی که به‌عنوان قصاص یا افساد فی الارض نباشد، به‌مثابه کشتن تمامی افراد بشر است و دلیلشان نیز مقید شدن زشتی و قبح قتل به مواردی غیر از قصاص و فساد در زمین است که دلالت بر این دارد اگر قتل نفس به‌عنوان قصاص و مقابله به مثل یا افساد فی الارض انجام شود، قبحی ندارد؛ بلکه از آیه شریفه استفاده می‌شود که قتل مشروع منحصر در دو مورد یادشده است^{۱۹}. لذا، نه تنها افساد فی الارض خود عنوان مجرمانه‌ای است که مجازات مرتکب آن قتل است، بلکه با عنایت به انحصاری که از آیه به‌دست می‌آید، تمام جرایم مستوجب قتل را باید داخل در همین عنوان مجرمانه یا قصاص دانست.

۱۹. احمدین محمد، اردبیلی، زبده البیان، (مکتبه المرتضویه، بی‌تا)، ص ۶۶۶؛ محمد، فاضل لکرانی، تفصیل الشریعه کتاب الحدود، (قم: مرکز فقه ائمه اطهار، ۱۴۲۲ق)، ص ۶۳۹؛ محمد، مؤمن، کلمات سدیدیه، (قم: جامعه مدرسین، ج ۱، ۱۴۱۵ق)، ص ۴۰۰.

همان طوری که ملاحظه می‌شود، افساد فی‌الارض یکی از عناوین بسیار مهمی است که می‌تواند موضوع بحث جرایم عام و فراگیر باشد. متأسفانه این عنوان که در موارد متعدد، حتی مجازات اعدام نیز برای آن در نظر گرفته شده پیراهن گشادی است که به تن بسیاری از رفتارهای پرنوسان مانند نشر اکاذیب، اختلال در نظام اقتصادی کشور، احراق و تخریب، پخش مواد سمی و میکروبی و خطرناک یا دایر کردن مراکز فساد و فحشا درخور شده است. جالب توجه این است که در ماده ۶۱۸ قانون مجازات اسلامی، بخش تعزیرات، اختلال در نظم عمومی یک امر و عنوان کلی است به نحوی که چنانچه این رفتارها با این تنوع گسترده موجب اختلال شدید در نظم عمومی یا ورود خسارت به تمامیت جسمانی افراد یا اموال عمومی یا سبب اشاعه فساد یا فحشا در حد وسیع شود، مرتکب مفسد فی‌الارض بوده، به اعدام محکوم می‌شود. پیش‌بینی مجازات شدید اعدام برای رفتارهای متنوعی مانند نشر اکاذیب باعث شده که حتی با ارسال یا بازارسال کردن یک پیام در شبکه‌های اجتماعی رفتار فرد منطبق بر عنوان مفسد فی‌الارض شده، مشمول مجازات این ماده گردد. احتیاط در دماء اقتضا می‌کند که در این مورد که قانون‌گذار مجازات اعدام را پیش‌بینی کرده است در تعیین مصادیق رفتار مجرمانه این گونه دست قضات را برای متهم کردن و محکوم کردن افراد در هر موضوع و رفتاری در استنباط و تطبیق تا این حد باز نگذارد. برخی نیز با استناد به آیه شریفه | «إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَ يَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَاداً أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ» (مائده: ۳۳)، افساد را وصفی می‌دانند، برای محاربه و در خصوص کسانی که دست به شمشیر و اسلحه می‌برند و نهایتاً منجر به فساد می‌شوند و عده‌ای قاتل به این شده‌اند که جرمی به نام فساد فی‌الارض وجود دارد و با استفاده از آیات و روایات مصادیقی از جمله نبش قبر و دزدیدن کفن (نباش) و آتش افروختن در خانه و محل سکونت و قتل اهل ذمه و قتل بردگان و نظایر آن را استخراج کرده‌اند که اینها مواردی است که فرد برای فساد که مرتکب شده است، مشمول مجازات مرگ می‌گردد. این درحالی است که قاعده‌ای کلی در فقه که جرمی را به عنوان فساد فی‌الارض تعریف کرده باشد و مجازات مرگ برای آن در نظر گرفته باشد نداریم.^{۲۰}

۲۰. محمدجعفر، حبیب‌زاده، بررسی جرم محاربه و افساد فی‌الارض، (تهران: انتشارات کیهان، ۱۳۷۰)، ص ۹۷.

حال با توجه به موارد برشمرده می‌توان دریافت که فقها افساد فی الارض را عنوان عام دانسته و فقط به ذکر مصادیق مختلف آن اکتفا کرده‌اند که در مجموع می‌توان گفت که از نظر فقها هر نوع معصیت و جرمی نوعی فساد است، اما ارتکاب آن دسته از آنها که دارای کیفر شرعی معین است (حدود) و آن دسته از معاصی که کیفر آن به عهده حاکم شرع است (تعزیرات) منظور نظر ایشان نیست، بلکه منظورشان از افساد فی الارض ارتکاب عملی است که معنون به عنوان خاص دیگری نباشد. در واقع، افساد فی الارض به صورت یک عنوان مجرمانه مستقل در فقه اسلامی احصا نشده و نحوه جرم‌انگاری که برای جرایمی نظیر مواد مخدر و نشر اکاذیب و جاسوسی و غیره که در نظام حقوقی ایران (قانون مجازات اسلامی) به عنوان افساد فی الارض صورت گرفته است، در مبانی فقهی ما موجود نیست و از این لحاظ یک جرم‌انگاری فراگیر به‌شمار می‌آید.

با پذیرش تعریف موسع از عنوان مفسد فی الارض در قانون تازه تصویب مجازات اسلامی باید نگاهی دوباره به مبانی فقهی این مجازات انداخت و از آن طریق به تحلیل رویکرد پذیرفته‌شده قانون مجازات اسلامی همت گمارد. در مقاله پیش رو به اثبات خواهد رسید که این مجازات مستند قابل اتکایی در فقه اسلامی ندارد و بیشتر فقها آن را به عنوان جرمی مستقل شناسایی نکرده‌اند. و نیز روشن خواهد شد که رویکرد قانون مجازات اسلامی چیزی جز استعمال گسترده عنوانی مبهم و مشکوک با عباراتی قابل تفسیر نیست و خطرهای بالقوه گسترده‌ای را علیه جامعه اسلامی و شهروندان آن ایجاد خواهد کرد و سرانجام به این نتیجه رسید که افساد فی الارض جرمی مستقل نیست.^{۲۱}

۱.۱.۵. رفتار خلاف شئون روحانیت

پس از به‌بار نشستن انقلاب اسلامی، دادسرا و دادگاه ویژه روحانیت که برای نخستین بار به فرمان امام خمینی در سال ۱۳۵۸ و با بررسی گذشته سازمان قضایی ایران تشکیل شد و سپس در سال ۱۳۶۴ منحل گردید، مجدداً در سال ۱۳۶۵ آیین دادرسی مستقل آن با عنوان «آیین‌نامه دادسراها و دادگاه‌های ویژه روحانیت» در تاریخ ۱۴ مرداد ۱۳۶۹ به تأیید

۲۱. محسن، برهانی، «افساد فی الارض: ابهام مفهومی، مفاسد عملی (تحلیل حقوقی ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی)»، مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، ش ۲-۳ (۱۳۹۴)، ص ۳۵.

مقام رهبری رسید و سپس آیین‌نامه ۴۷ ماده‌ای آن بدون تصویب مجلس و طی مسیر قانون‌گذاری با درج در روزنامه رسمی در سال ۱۳۶۹ مبنای رسیدگی در نهاد دادرها و دادگاه‌ها و رویه روحانیت قرار گرفت.^{۲۲} با وجود کاستی‌هایی که این آیین‌نامه داشت، پس از پانزده سال در مورخ ۱۰ دی ۱۳۸۴ با اصلاحات کلی و در ۵۲ ماده بدون گذراندن مراحل قانون‌گذاری در قوه مقننه، به تأیید مجدد مقام رهبری رسید. برای جبران نقیصه قانون‌گذاری در ماده ۵۲۸ قانون آیین دادرسی مدنی ذیل عنوان «سایر مقررات»، تصریح شد که «دادسرا و دادگاه ویژه روحانیت که بر اساس دستور مقام ولایت (رهبر کبیر انقلاب) تشکیل گردید طبق اصول ۵ و ۷ قانون اساسی، تا زمانی که رهبر معظم انقلاب اسلامی ادامه کار آن را مصلحت بدانند، به جرایم اشخاص روحانی رسیدگی خواهد کرد و پرداخت حقوق و مزایای قضات و کارکنان آن، تابع مقررات مربوط به قوه قضائیه می‌باشد». با مذاقه در آیین‌نامه یادشده، ملاحظه می‌شود که ابتدا در ماده ۱۸ تعریف متفاوتی از جرم ارائه شده و آن، فعل یا ترک فعلی است که مطابق قوانین موضوعه یا احکام شرعیه قابل مجازات یا مستلزم اقدامات تأمینی و تربیتی باشد. پس از آن، در تبصره‌ای مقرر گردیده است اعمالی که عرفاً موجب هتک حیثیت روحانیت و انقلاب اسلامی باشد، برای روحانیون جرم تلقی می‌شود. اینکه تعریف جرم برای بخشی از افراد جامعه از اساس متفاوت باشد جای تأمل دارد و مغایر با مبانی عدالت کیفری است. در ماده ۱۸ این آیین‌نامه به دو جهت جرم‌انگاری با عناوین فراگیر صورت گرفته است؛ از یک سو در صدر ماده، تعیین مصادیق مجرمانه به احکام شرع که منابع آن بسیار گسترده، نامحدود و دارای اختلاف نظرهای فراوان است واگذار گردیده، و از سوی دیگر، در تبصره موصوفاً اعمالی که عرفاً موجب هتک حیثیت روحانیت و انقلاب اسلامی باشد جرم‌انگاری و تعیین مصادیق آن به عرف واگذاشته شده است.

۲.۱. سایر عناوین مجرمانه فراگیر

با بررسی متون قانونی نیز در لابه‌لای متون مدون ممکن است گاه به مواردی خیلی جزئی برخورد نماییم که شاید بتوان آن عناوین عام‌الشمول را هم در زمره جرایم کلی و

۲۲. محمدرضا، دریاباری، دادگاه ویژه روحانیت، ج ۱، (تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۳)، ص ۸۰.

فراگیر تلقی نمود که در جای خود نیز درخور تأمل و تحقیق باشد. از جمله آن می‌توان به عبارت خدعه در ماده ۲۵۳ قانون تجارت، عدم رعایت حق رأی صاحبان سهام در ماده ۲۵۷، پنهان کردن وضع واقعی و خلاف منافع شرکت در ماده ۲۵۸، اعمال مزورانه یا بدون تشریفات در ماده ۲۶۱، دادن اطلاعات نادرست در ماده ۲۶۳ و نیز دادن اطلاعات خلاف حقیقت در ماده ۲۶۷ قانون موصوف اشاره نمود که بدون تحدید گستره هریک از آنها شامل عناوین گسترده‌ای از اعمال و رفتارها می‌شود.

همچنین، در ماده ۱۰۳ قانون ثبت اسناد و املاک کشور گواهی تصدیق خلاف واقع شامل عناوین، رفتارها و مصادیق متعددی می‌شود و نیز در ماده ۱۰۷ همان قانون با این وصف که امانت در املاک یک رفتار کلی است، برای تقاضای ثبت مالکیت از سوی امین بدون تبیین آن، مجازات تعیین شده است. در ادامه، در ماده ۱۱۷ قانون یادشده هرگونه اقدام بر ضد حقوق افراد در املاک قابل کیفر دانسته شده، درحالی که قانون‌گذار حق افراد را نسبت به املاک تعریف نکرده است.

در قانون ثبت احوال ماده ۴۸ اقدام مأموران و مسئولان را بدون تبیین اینکه چه نوع عملیات یا ترک فعلی مشمول تأخیر و تعلل می‌گردد به نحو فراگیر مستوجب کیفر دانسته و نیز در ماده ۴۹ شناسنامه موهوم و ماده ۵۲ گواهی خلاف را به‌طور کلی قابل پیگرد اعلام نموده است.

در ماده ۲ قانون تخلفات، جرایم و مجازات‌های مربوط به اسناد سجلی و شناسنامه مصوب ۱۰ مرداد ۱۳۷۰ آمده است هرکس شناسنامه خود را در اختیار دیگری قرار دهد به‌طور کلی اعلام جرم قابل طرح خواهد بود و بیان نشده که چه نوع دراختیار گذاشتنی مد نظر بوده و اصولاً دراختیار قرار دادن یک عنوان کلی است.

همچنین با تجسس و تحقیق در سایر متون قانونی می‌توان به مصادیقی از جرایم فراگیر دست یافت.

۲. تعیین منابع معتبر فقهی به عنوان منبع جرم‌انگاری

به‌موجب اصل ۱۶۷ قانون اساسی، در موارد خلأ قانونی قاضی موظف است تا به منابع یا

فتاوی معتبر اسلامی مراجعه نماید؛ با وجود اصل ۳۶ و دیگر اصول مرتبط با اصل قانونی بودن، آیا اصل ۱۶۷ شامل دعاوی کیفری به‌ویژه جرم‌انگاری می‌شود و یا تنها به دعاوی مدنی اختصاص دارد؟ اگر اصل ۱۶۷ شامل دعاوی کیفری هم باشد، لازمه‌اش مخالفت با اصل قانونی بودن جرم و مجازات است که زیربنای فقهی آن قاعده قبح عقاب بلابیان است.^{۲۳} تا قبل از تصویب قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ بسیاری از حقوق‌دانان در تفسیر این اصل آن را منصرف از جرم‌انگاری می‌دانستند و به استناد اصل ۳۶ قانون اساسی که همان اصل قانونی بودن جرم و مجازات است، معتقد بودند عناوین مجرمانه را فقط باید در قوانین کیفری جستجو نمود. لیکن پس از تصویب آیین دادرسی کیفری قدیم مصوب ۱۳۷۸ در ماده ۲۱۴ و در قانون آیین دادرسی مدنی مصوب سال ۱۳۷۹ در ماده ۳ و همچنین در اصل ۱۶۷ قانون اساسی تصریح شده است که قاضی برای تعیین مصادیق مجرمانه می‌تواند به منابع معتبر فقهی مراجعه نماید.^{۲۴} این امر موجب شد دامنه جرم‌انگاری به‌شدت گسترش یابد و تعیین حدود و دامنه آن ناممکن گردد و این امر با هیچ نظام کیفری از این حیث قابل مقایسه نیست.^{۲۵}

در تبیین این مسئله باید به ماده ۲۲۰ قانون مجازات اسلامی نیز اشاره کرد که در خصوص جرائم مستوجب حدود که قانون ساکت است به منابع فقهی ارجاع داده که می‌توان با منابع معتبر یا فتاوی معتبر فقهی مرتکب را مجازات نمود که با این فرض، دامنه وسیعی از جرایم و رفتارهای عام‌الشمول به‌طور فراگیر جرم‌انگاری می‌شود. البته ممکن است با توجه به وضع ماده مؤخرالتصویب ۳۷۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ که مقرر داشته است رأی دادگاه کیفری صرفاً باید بر اساس قانون و اصول حقوقی باشد، گفته شود ماده ۲۰۰ صدرالذکر نسخ ضمنی شده است؛ حال آنکه مخالفان در پاسخ ممکن است به اصل ۱۶۷ قانون اساسی و قاعده عام مؤخر ناسخ خاص مقدم نمی‌باشد، استناد نموده و آن را همچنان معتبر بدانند.

۲۳. امیرخان، سپهوند، جرایم علیه اشخاص، (تهران: مجد، ۱۳۸۶)، ص ۲۳.

۲۴. محمدجعفر، حبیب‌زاده و سید مصطفی، محقق داماد، «اصل قانونی بودن جرم و مجازات در حقوق کیفری ایران»، نشریه علمی دانشگاه شاهد، ش ۹ و ۱۰ (۱۳۷۴)، ص ۲۳.

۲۵. سید حسین، هاشمی و جعفر، کوشا، «بررسی تعارض اصل ۱۶۷ قانون اساسی با اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها»، نامه مفید، ش ۲۶ (۱۳۸۰)، ص ۷۵.

۳. چالش‌های حقوقی جرم‌انگاری با عناوین فراگیر

جرم‌انگاری فراگیر در نظام حقوقی موجود با چالش‌های متعددی مواجه است که در ادامه به آن پرداخته می‌شود.

جرم‌انگاری با عناوین فراگیر با توضیحاتی که بیان شد، پیامدها و چالش‌های متعدد حقوقی و جرم‌شناختی در پی دارد. از منظر حقوقی، نقض اصل قانونی بودن جرم و مجازات و تعدد جرم و تشتت گسترده آرا از جمله عوارض ناشی از جرم‌انگاری فراگیر است.

۳.۱. نقض اصل قانونی بودن جرم و مجازات

تنها قانون‌گذار می‌تواند جرم‌انگاری یا جرم‌زدایی کند و در صورتی که اختیار قانون‌گذاری را به قضات یا سایر افراد غیر از قانون‌گذار دهیم، این امر به خودکامگی و تضییع حقوق و آزادی‌های مشروع افراد منجر خواهد شد. به علاوه، اصل قانونی بودن جرم و مجازات نقض می‌گردد. به موجب این اصل که بر مبنای قاعده «قیح عقاب بلا بیان» در حقوق جزا شکل گرفته هیچ جرم و مجازاتی نیست مگر به موجب قانون^{۲۶}. لذا، جرم‌انگاری فراگیر موجب می‌شود رفتارهایی که به ذهن افراد خطور نمی‌کند که ممکن است مجرمانه باشد، از سوی قضات وصف مجرمیت به خود گرفته، مجرمانه تلقی شود. فقها بر این اصل به آیات و روایات و نیز قواعد عقلی استناد می‌نمایند:

آیه شریفه «لایکلف الله نفساً الا ما اتیها» (طلاق: ۷)؛ خداوند هیچ‌کس را تکلیف نمی‌کند مگر به آنچه داده است.

آیه شریفه «ماکنا معذبین حتی نبعث رسولا» (اسراء: ۷)؛ ما هیچ‌کس را عذاب نخواهیم کرد تا آن زمان که پیامبری مبعوث نماییم^{۲۷}.

آیه شریفه «لیهلك من هلك عن بینة و یحیی من حی عن بینة» (انفال: ۴۲)؛ خداوند با دلیل به هلاکت می‌افکند و با دلیل زنده می‌گرداند.

۲۶. محمدعلی، اردبیلی، پیشین، ص ۱۹۸.

۲۷. رضا، نوربها، پیشین، ص ۳۲۶.

آیه شریفه «و ما كان الله ليضل قوماً بعد اذهبهم حتى لهم ما يتقون» (توبه: ۱۱۵)؛ خداوند هیچ قومی را گمراه نمی‌کند مگر آنکه موارد اجتناب و پرهیز را از پیش برایشان تشریح کرده باشد.

مستندات در سنت عبارت‌اند از حدیث معروف «رفع» که پیامبر (ص) فرمودند: «رفع عن امتی تسعه اشياء: الحظاء والنسيان و ما استكروها عليه و ما لا يعلمون و...»: «از امت من نه چیزی برداشته شده: اشتباه و فراموشی و اموری که مورد اکراهشان باشد و اموری که به آن علم ندارند و ...»^{۲۸}.

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اصل ۳۶ مقرر می‌کند حکم به مجازات و اجرای آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد. اصل ۳۷ نیز اشعار داشته است: «اصل برائت است و هیچ کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی‌شود مگر آنکه جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد». همچنین، اصل ۱۶۶ قانون اساسی بیان می‌دارد: «احکام دادگاه‌ها باید مستدل و مستند به مواد قانونی و اصولی باشد که بر اساس آن حکم صادر شده است». در قانون مجازات اسلامی نیز در ماده ۲ مقرر شده است «هر فعل یا ترک فعلی که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد جرم محسوب می‌شود». اصول یادشده در قانون اساسی بیان‌کننده این اصل مهم است که تنها مرجعی که می‌تواند بر اوامر و نواهی مجازات وضع و یا عملی را ممنوع اعلام نماید قاضی و حکام نیستند، بلکه تنها مرجعی که اجازه وضع قانون را برعهده دارد، قوه مقننه است که اختیار قانون‌گذاری بر اساس اصول قانون اساسی برعهده آن قوه گذاشته شده است. در تمامی مواردی که تحت عناوین جرایم فراگیر قرار می‌گیرند، این قاضی است که به جای قانون‌گذار، ابتدا رفتار را جرم‌انگاری و سپس با رفتار مرتکب تطبیق و حکم صادر می‌کند. چنین رویه‌ای درحقیقت زیرپا گذاشتن اصل قانونی بودن جرم و مجازات است که از سوی قوه مقننه که خود وضع‌کننده اوامر و نواهی است، بر آن رفتارها مجازات تعیین کرده که جایز شمرده شده است.

۲۸. محمدبن الحسن، حر عاملی، وسائل الشیعه، (بیروت: مؤسسه آل‌البیت لاحیاء التراث، ۱۴۱۴ ق)، ص ۲۹۵.

۳.۲. تعدد گسترده جرایم

در پهنه تاریخ حقوق کیفری ایران شدت گرای کیفری در برهه هایی وجود داشته که تعدد عناوین و داشتن مصادیق مختلف از جمله آن ها بوده است.^{۲۹} نکته ای مورد اتفاق اکثر حقوق دانان در خصوص تعدد جرم این است که «فردی که مرتکب چند جرم شده با فردی که فقط یک جرم را مرتکب شده قابل مقایسه نیست. طبیعی است که علی الاصول باید مجازات بیشتری در انتظار این فرد باشد»^{۳۰}. بنابراین، تعدد جرم در تعیین میزان مجازات مؤثر است. تعدد جرم عبارت است از ارتکاب جرایم متعدد بدون آنکه متهم برای اتهام های متعدد پیشین خود، به محکومیت قطعی رسیده باشد؛ خواه این جرایم در فواصل کوتاهی تحقق یافته که امکان تعقیب و محکومیت متهم در زمان اندک وجود نداشته باشد و خواه متهم متواری بوده یا جرایم او به دلایلی کشف نشده باشد. روشن است ارتکاب جرایم متعدد نشانه حالت خطرناک و ناسازگاری فرد از منظر جرم شناسی است. بنابراین دفاع از جامعه اقتضا می کند که نسبت به مجرمان ناسازگار تصمیم دیگری غیر از مجازات اتخاذ گردد.^{۳۱} مهم ترین شرط تعدد جرم، ارتکاب جرایم متعدد از سوی یک شخص و عدم تعیین مجازات برای جرایم بعدی است.^{۳۲} بر اساس ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ و اصلاحی قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ در جرایم موجب تعزیر، هرگاه جرایم ارتكابی مختلف نباشد فقط یک مجازات تعیین می شود و در این صورت دادگاه می تواند مطابق ضوابط مقرر در این ماده مجازات را تشدید کند و در مورد جرایم مختلف هرگاه جرایم ارتكابی بیش از سه جرم نباشد، حداقل مجازات هر یک از جرایم بیشتر از میانگین حداقل و حداکثر مجازات قانونی است. چنانچه جرایم ارتكابی مختلف بیش از سه جرم باشد، مجازات هر یک حداکثر مجازات قانونی آن جرم است. در این صورت، دادگاه می تواند مجازات هر یک را بیشتر از حداکثر مجازات قانونی تا یک چهارم آن تعیین کند.

۲۹. نیازپور، امیرحسین، دادگاه های کیفری رسیدگی کننده به جرم های اطفال و نوجوانان، مجله مطالعات حقوق تطبیقی معاصر، دوره ۸، شماره ۱۵، مهر ۱۳۹۶، ص ۱۶۷.

۳۰. پرویز، صانعی، حقوق جزای عمومی، (تهران: انتشارات طرح نو، ۱۳۸۲)، ص ۷۶۸.

۳۱. محمدعلی، اردبیلی، پیشین، ص ۲۲۰.

۳۲. رضا، نوربها، پیشین، ص ۲۳۴.

عناوین فراگیر علاوه بر شمول گسترده نسبت به رفتارهای غیرمجرمانه، ممکن است جرم‌انگاری جدید محسوب شود و یا عناوین مجرمانه موجود در قوانین، یک بار دیگر نیز تحت این عناوین کلی قرار گیرند. مؤید این امر می‌تواند جرایم جنسی که در قانون به صراحت جرم‌انگاری شده‌اند، یک بار دیگر نیز تحت عنوان رفتار منافی عفت جرم تلقی شوند. هر عنوان مجرمانه‌ای یکبار هم می‌تواند به‌عنوان رفتار منحل نظم تحت تعقیب قرار گیرد. در هر مورد که مجازات فاقد حداقل و حداکثر باشد، اگر جرایم ارتكابی بیش از سه جرم نباشد، تا یک ششم و اگر جرایم ارتكابی بیش از سه جرم باشد دادگاه می‌تواند تا یک چهارم به اصل آن اضافه کند. براساس بند «ج» این ماده، در صورتی که از رفتار مجرمانه واحد، نتایج مجرمانه متعدد حاصل شود، مرتکب به مجازات محکوم می‌شود و در بند «د» نیز مقرر شده است که اگر مجموع جرایم ارتكابی در قانون عنوان مجرمانه خاصی داشته باشد، مقررات تعدد جرم اعمال نمی‌شود و مرتکب به مجازات مقرر در قانون محکوم می‌شود.

۳.۳. شرایط و قواعد اعمال تعدد

با توجه به بند «ج» ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی اصلاحی ۱۳۹۹، این سؤال مطرح می‌شود که آیا رفتار اولیه بایستی مجرمانه باشد یا خیر، و اگر عمل اولیه مجاز باشد، نتایج بعدی ناشی از آن جرم خواهد بود؟ عده‌ای معتقدند فعل اولیه که منجر به نتیجه مجرمانه می‌شود، لازم نیست ضرورتاً خود عملی مجرمانه باشد^{۳۳}، اما بایستی گفت که رابطه سببیت نیاز به ارتکاب فعلی دارد که بر پایه حقوق کیفری، غیرقانونی است؛ یعنی اینکه رابطه سببیت دو جزء دارد: یکی اینکه فعل به اعتبار آن که ماهیت مادی موردنظر قانون را دارد، خود دربردارنده مقومات معینی است، و دیگری، صفت غیرقانونی فعل^{۳۴}. توضیح اینکه فعل به‌عنوان ماهیت مادی، نقطه آغاز سلسله اسبابی است که رابطه سببیت بر آن استوار است و همان چیزی است که سببیت بدان نسبت داده می‌شود. فعل زمانی سبب شمرده می‌شود که

۳۳. جلال‌الدین، قیاسی، «بررسی وحدت یا تعدد جرم در حالت تعدد نتیجه»، فصلنامه فقه و حقوق، ش ۲۰ (۱۳۸۸)، ص ۱۳۵.

۳۴. محمود، نجیب‌حسینی، رابطه سببیت در حقوق کیفری، مترجم: سید علی عباس‌نایب زارع، (مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ج ۲، ۱۳۸۶)، ص ۵۵.

رابطه سببیت میان فعل و نتیجه وجود داشته باشد، اما نیاز به ویژگی منهی بودن به این دلیل است که رابطه سببیت به این اعتبار که شرط مسئولیت کیفری است و تا هنگامی که فعل منهی نباشد نمی‌تواند مطرح شود؛ چراکه فعلی که نهی نشده است مسئولیتی به دنبال ندارد. پس از همان آغاز، بحث درباره رابطه سببی میان فعل و نتیجه ناممکن می‌شود، زیرا مسئولیت برای مرتکب فعلی که این نتیجه را به بار آورده است وجود ندارد. ارتکاب جرم اولیه می‌تواند به شکل عمدی یا ناشی از تقصیر باشد. در صورتی که فعل اولیه عمدی باشد و به قصد ایجاد نتایج و جرم جدیدی صورت پذیرد، با تعدد نتیجه روبرو هستیم؛ زیرا جرم اولیه را به صورت مباشرت و جرم دومی را به صورت تسبیب انجام داده است. در فرضی هم که شخصی آب آشامیدنی را مسموم می‌کند تا منجر به خشک شدن محصولات دیگری شود، برخی معتقدند که در اینجا فرقی نمی‌کند که عنصر معنوی جرم حاصله عمد باشد یا تقصیر، زیرا متهم قصد ایجاد نتیجه دارد و چنین قصدی هر دو صورت جرایم عمدی و غیرعمدی را دربر می‌گیرد.^{۳۵} اما به نظر می‌رسد که حداقل در جرایم عمدی نتوان این نظر را به طور کامل پذیرفت؛ بنابراین در همین فرض، چنانچه انسانی از این آب بنوشد و فوت کند، نمی‌توان وی را به قتل عمدی محکوم کرد، زیرا وی تنها قصد خشکاندن محصولات دیگری را داشته است نه قصد قتل را و نهایتاً می‌توان در این موارد وی را به قتل غیرعمد محکوم کرد. مطلب دیگر اینکه در تعدد نتیجه، علاوه بر قصد فعل، آیا قصد ایجاد نتایج متعدد نیز لازم است یا صرف ایجاد نتایج غیرارادی در نتیجه فعل ارادی کفایت می‌کند؟ شاید آنچه که در تقسیم‌بندی از آن به سوءنیت قطعی و سوءنیت احتمالی تعبیر شده است به بحث کمک کند. اراده قطعی آن است که مرتکب عناصر جرم را به صورت یقینی بداند و رفتار مجرمانه و نتیجه آن را قصد کند؛ در فرضی فردی با قصد قتل فرد دیگری به سوی وی شلیک نماید، اراده احتمالی آن است که مرتکب عناصر جرم را می‌داند و رفتار فیزیکی را اراده می‌کند، اما نتیجه را قصد نمی‌کند، بلکه فقط انتظار تحقق آن را دارد. لذا، مرتکب در هر دو صورت علم به عناصر دارد و رفتار فیزیکی را نیز اراده می‌کند. اما در صورت نخست، نتیجه را نیز اراده

۳۵. جلال‌الدین، قیاسی، پیشین، ص ۱۴۴.

کرده و درحالی که در صورت دوم نتیجه را اراده نمی‌کند، بلکه وقوع آن را احتمال می‌دهد.^{۳۶} برخی از حقوق‌دانان در این موارد با ردّ تعدد اعتباری، به راه‌حل دیگری یعنی تفکیک میان جرایم عمدی و غیرعمدی پرداخته‌اند. یعنی اگر عمل اولیه عمدی باشد و مرتکب نسبت به وقوع نتایج متعدد یقین داشته باشد یا احتمال غالب بدهد، تعدد مادی است و در صورتی که عمل اولیه و نتایج حاصله دو جرم مختلف باشند، حکم آن جمع مجازات است؛ لیکن درحالتی که نتایج حاصله اتفاقی باشد، مثلاً شخصی کسی را به قتل برساند و از باردار بودن او بی‌اطلاع باشد یا اتفاقی را آتش بزند و بعداً معلوم شود در آن اسناد رسمی هم بوده و او نمی‌دانسته، نسبت به عمل دوم فقط مسئولیت مدنی دارد و در قتل و ضرب و جرح دیه برعهده اوست. توضیح اینکه رابطه سببیت، حلقه‌هایی است که از آثار مستقیم فعل آغاز شده، به گونه‌ای سلسله‌وار ادامه می‌یابد، به پیش می‌رود و دگرگون می‌شود تا اینکه در پایان به گونه‌ای نتیجه مجرمانه نمود می‌یابد. بنابراین، رابطه سببیت، تنها یک رابطه منطقی یا پیوندی ذهنی نیست که در فکر میان دو پدیده ارتباط ایجاد کند، بلکه پیوندی مادی و محسوس است که حواس آن را درمی‌یابد و به آزمایش و تجربه می‌انجامد.^{۳۷} در نتیجه با انجام یک فعل می‌توان به نتایجی دست یافت، هرچند به شکل تسبیب باشد. شایان ذکر است که ممکن است جرم منوط به نتیجه، در خارج به نتیجه‌ای که در قانون ذکر شده است منجر نشود، ولی به نتایج دیگری منتهی گردد. در اینجا چنین فعلی حکم جرم مطلق را دارد که منجر به نتیجه‌ای خواسته یا ناخواسته می‌شود. ولی اگر جرم مقید، منجر به همان نتیجه‌ای شود که در قانون ذکر شده است، ما تنها با یک جرم روبه‌رو هستیم و بحث تعدد جرم منتفی است؛ به مانند آنکه کسی به حفاری غیرمجاز در حریم آثار فرهنگی موضوع ماده ۵۶۰ قانون مجازات اسلامی اقدام کند و منجر به تخریب اماکن یادشده موضوع ماده ۵۵۸ قانون مجازات اسلامی شود. در این مورد چون تخریب حاصله در ضمن ماده ۵۶۰ قانون مجازات اسلامی لحاظ شده است و شرط قانونی تحقق آن به شمار می‌رود، با جرم جدیدی موضوع ماده ۵۵۸ قانون یادشده مواجه نیستیم؛ البته اگر عمل اولیه به نتایجی فراتر از نتیجه

۳۶. عباس، زراعت، «تمایز حالت تعدد معنوی جرائم از عناوین مشابه»، فصلنامه حقوق، دوره ۴۳ (۱۳۹۲)، ص ۱۱۵.

۳۷. همان، ص ۲۹.

قانونی منجر شود، در این صورت ما با تعدد نتیجه روبه‌رو خواهیم بود.^{۳۸}

۴.۳. تشتت آرا

در قوانین جزایی ایران و بسیاری از کشورهای جهان، عوامل قانونی مجموعه عواملی هستند که قانون‌گذار به‌صراحت یا تلویح در سراسر مواد قوانین جزایی مقرر می‌دارد. عوامل قضایی یا به‌عبارت دیگر فراقانونی برخلاف عوامل قانونی نامعین بوده، به مقام قضایی و مرجع رسیدگی ارتباط پیدا می‌کند؛ چنین تفویض اختیاری به قاضی برای تطبیق عنوان مجرمانه و انتخاب مجازات متناسب که اصل قانونی بودن جرم و مجازات را مورد تعرض قرار ندهد، مهم‌ترین پیامد جرم‌انگاری تحت عناوین فراگیر است. عدم شفافیت و کلی‌گویی قانون‌گذار و سپردن امور تقنینی به مراجع قضایی موجب می‌شود مراجع قضایی در تعیین مصادیق مجرمانه ذیل این عناوین، رویه‌های متشتت و مختلفی درپیش گیرند و رفتاری که در یک شعبه یا حوزه قضایی جرم باشد، در شعبه و استان همجوار مجرمانه تلقی نگردد.

۴.۴. چالش‌های جرم‌شناختی جرم‌انگاری با عناوین فراگیر

در ادامه این نوشتار لازم است که موضوع مقاله موردبحث از منظر چالش‌های جرم‌شناختی به‌نحو زیر مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد.

۴.۴.۱. جرم‌انگاری افراطی

جرم‌انگاری فرایندی است که به‌موجب آن قانون‌گذار با درنظر گرفتن هنجارها و ارزش‌های اساسی جامعه و با تکیه بر مبانی نظری مورد قبول خود، فعل یا ترک فعلی را ممنوع و برای آن ضمانت اجرای کیفری وضع می‌کند.^{۳۹} در حقوق ایران جرم، با تصویب قانون مجازات عمومی مصوب سال ۱۳۰۴ به ادبیات حقوقی ایران وارد شد و با اصلاحات به‌عمل آمده در سال ۱۳۵۲، در ماده ۲ آن قانون این‌گونه تعریف شده بود: «هر فعل یا ترک فعلی که مطابق قانون قابل مجازات یا مستلزم اقدامات تأمینی یا تربیتی باشد، جرم

۳۸. جلال‌الدین، قیاسی، پیشین، ص ۱۴۸.

۳۹. حسین، آقابابائی، مطالعه تطبیقی سیاست کیفری ایران، مصر و انگلستان در قبال جرم براندازی، رساله دکتری، مدرسه عالی شهید مطهری، ۱۳۸۴، ص ۱۲.

محسوب است و هیچ امری را نمی‌توان جرم دانست مگر آنکه به موجب قانون برای آن مجازات یا اقدامات تأمینی یا تربیتی تعیین شده باشد». در ماده ۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ قانون‌گذار جرم را این‌گونه تعریف کرده است: «هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است جرم محسوب می‌شود». این ماده علاوه بر تعریف جرم، اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها را نیز بیان می‌کند.

عده‌ای بر این باورند که جرم یک پدیده اجتماعی است؛ یعنی عوامل فرهنگی، اجتماعی و محیطی در بروز رفتار مجرمانه مؤثرند. بنابراین، باید در شناخت و تبیین جرم، از روش جامعه‌شناختی سود جست و از مشاهده وقایع، ملاحظات آماری، شرایط زندگی، رابطه بین جرم و سایر عوامل غفلت نکرد. این گروه جرم را چنین تعریف کرده‌اند: جرم عبارت است از نقض نظام اجتماعی و رفتاری که با ضوابط فرهنگی و اجتماعی حاکم بر جامعه مغایرت دارد و احساسات عمومی را جریحه‌دار می‌سازد. چنان‌که امیل دورکیم، جامعه‌شناس فرانسوی، معتقد است جرم یک پدیده طبیعی و اجتماعی است که از شرایط فرهنگی و تمدن هر جامعه ناشی می‌شود و شامل هر عملی است که وجدان عمومی را جریحه‌دار می‌کند.^{۴۰} به هر رو، جرم‌انگاری فرایندی است که به موجب آن قانون‌گذار فعل یا ترک فعلی را ممنوع و برای آن ضمانت اجرای کیفری وضع می‌کند. این مهم در نظام کیفری کشور، با توجه به اصل ۷۱ قانون اساسی باید «در حدود مقرر در قانون اساسی» صورت گیرد. با توجه به اصل یادشده، اختیار مجلس شورای اسلامی در وضع مقررات کیفری و جرم‌انگاری بی‌حد و حصر نیست، بلکه تابع محدودیت‌های مقرر در قانون اساسی است.^{۴۱} همچنین، بر اساس اصل چهارم قانون اساسی، مجلس شورای اسلامی باید در حدود اصول و موازین اسلامی اقدام به جرم‌انگاری نماید. با توجه به اصول شرعی و قانون اساسی اصل بر اباحه، عدم ولایت، برائت، مصونیت فردی، منع تفتیش عقاید، منع تجسس، منع دستگیری و ... بوده^{۴۲} و لذا استثنا بر آن اصول نیازمند دلیل است؛ بر همین اساس، ارائه تفسیری آفرینش‌گرایانه از قانون اساسی به این مهم می‌پردازد که مجلس شورای اسلامی با توجه به اصل ۷۱، فقط در

۴۰. مهدی، کی‌نیا، جرم‌شناسی، (تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۶)، ص ۶.

۴۱. گودرز، افتخار جهرمی، «اصل قانونی بودن جرم و مجازات»، مجله تحقیقات حقوقی، ش ۲۵ و ۲۶ (۱۳۷۸)، ص ۵۳.

۴۲. محمدعلی، اردبیلی، پیشین، ص ۱۲۶.

حدود مقرر در قانون اساسی می‌تواند جرم‌انگاری نماید و این حدود نیز در اصول نهم و چهلم قانون اساسی به صورت فراگیر و در اصول ۲۴، ۲۶، ۲۷ و ۲۸ به صورت خاص مشخص گردیده است و در نتیجه، قانون‌گذار ایران نمی‌تواند خارج از حدود و معیارهای یادشده به جرم‌انگاری و اعمال محدودیت در حوزه حقوق و آزادی‌های فردی بپردازد. این نحوه جرم‌انگاری موجب می‌شود بخش عظیمی از رفتارها تحت عنوان جرم تلقی شده، گستره جرایم به‌شدت توسعه یابد. جرم‌انگاری افراطی پیامدهای متعددی از جمله بی‌توجهی افراد جامعه به قانون را در پی خواهد داشت؛ درحالی که در مقوله جرم‌انگاری رفتارهایی که ناقض هنجارهای بسیار مهم جامعه است باید مورد توجه قرار گیرد و اعمال واکنش کیفری نسبت به آن طی فرایند تقنینی مناسب از سوی نخبگان و مراکز پژوهشی تجزیه و تحلیل، و ضرورت آن احراز شود.

۲.۴. گسترش برچسب مجرمانه

طرفداران نظریه برچسب‌زنی معتقدند جرم رفتاری است که دیگران به آن برچسب زده‌اند. بنابراین هیچ رفتاری خودبه‌خود جرم یا کج‌روی محسوب نمی‌شود.^{۴۳} برچسب‌زنی روندی است که در طی آن، جامعه‌عنوانی منحرفانه را به شخص اطلاق می‌کند. این عمل باعث می‌شود که فرد از گروه یا جامعه طرد شود، هویتی منفی در او نهادینه شود، و انحراف در او تقویت گردد.^{۴۴}

طرفداران نظریه برچسب‌زنی، دسته‌بندی‌های مختلفی برای جرم و کج‌روی مطرح کرده‌اند. یکی از این دسته‌بندی‌ها را «چارلز لمرت»^{۴۵}، از جامعه‌شناسان و نظریه‌پردازان اجتماعی امریکا، ارائه کرده است؛ او اعمال منحرفانه را به دو گروه تقسیم می‌کند: اولیه و ثانویه. از نظر او نخستین عمل خطای یک فرد کج‌روی نخستین است و کج‌روی دوم هنگامی رخ می‌دهد که فرد برچسبی را که بر او زده شده است، می‌پذیرد و خود را به‌عنوان کج‌رو می‌بیند. نظریه یادشده یا نظریه تعامل‌گرایی در دهه ۱۹۵۰ در امریکای شمالی شکل

۴۳. هدایت‌اله، ستوده، *آسیب‌شناسی اجتماعی*، (بی‌جا: آوای‌نور، ۱۳۸۰)، ص ۶۶.

۴۴. شهلا، معظمی، *بزهکاری کودکان و نوجوانان*، (تهران: دادگستر، ۱۳۸۴)، ص ۱۸۸.

گرفت و به سبب شرایط حاکم بر آن دوران، این نظریه مفاهیم انحراف و منحرف را به صورت ذهنی و نه عینی تعریف کرد. در علت‌شناسی جرم باید واکنش‌های اجتماعی رسمی و غیررسمی از طریق برچسب‌زنی، تحقیر و طرد فرد مجرم، موجب تکرار جرم و پیدایش هویت مجرمانه در شخص قلمداد کرد^{۴۶}. نظریه برچسب‌زنی از نظر تقسیم‌بندی نظریات جرم‌شناسی، در زیرمجموعه رویکرد کنش متقابل جای می‌گیرد. در حقیقت، در فرایند برچسب‌زنی نه تنها فرد برچسب‌خورده از جامعه طرد می‌شود و به رفتارهای مجرمانه ادامه می‌دهد، بلکه آرامش خود را در هم‌نشینی با کسانی می‌یابد که به همان شکل برچسب خورده و از جامعه طرد شده‌اند؛ بنابراین، این هم‌نشینی معمولاً به صورت خرده‌فرهنگ‌های مجرمانه یا خرده‌فرهنگ‌های بزهکاران جوان جلوه‌گر می‌شود^{۴۷}. بنابراین، در جرم‌انگاری تحت عناوین فراگیر طیف‌های مختلفی از افراد جامعه در محیط اجتماعی برچسب مجرمیت خورده، روانه دادگاه‌ها و ندامتگاه‌ها می‌شوند؛ چراکه جامعه مجموعه‌ای از اجزای متکثر و ترکیبی از گروه‌های رقیب و متفاوت است که با وجود روابط درونی نزدیکی که باهم دارند تا حد زیادی مستقل از یکدیگرند. بنابراین، محصول این وضعیت آن است که برخی کنش‌ها را گروه‌ها، فرهنگ‌ها و دیدگاه‌های خاص کج‌روانه به حساب آورده و عده‌ای را با برچسب کج‌رو از دیگران بازشناسانده‌اند. در این حالت، افرادی که برچسب کج‌رو می‌خورند، اغلب کسانی هستند که بین تقاضاهای حکومت مرکزی و سنن موجود در خرده‌فرهنگ‌هایی که بدان تعلق دارند، قرار گرفته‌اند و هیچ چیز خاصی درباره آنان دال بر کج‌روی وجود ندارد. در این نظریه، خصوصیات مثل نژاد، جنس، طبقه و... در تصمیم‌گیری‌ها دخالت دارند؛ لذا می‌توان نتیجه گرفت که هرچه تعدد و تنوع فرهنگ و قومیت و گروه بیشتر باشد ممکن است احتمال برچسب خوردن افراد از سوی دسته‌های غیر بیشتر اتفاق بیفتد. برچسب‌زنی می‌تواند از طریق رسمی و از سوی سازمان‌های مسئول و یا به صورت غیررسمی و از طرف افراد و اجتماع به بزهکار نخستین وارد شود. در نوع رسمی آن، معمولاً نهادهای زیرمجموعه نظام عدالت کیفری مانند دادگاه و پلیس نقش اساسی دارند.

۴۶. اکبر، وروایی و حمید، فاطمی موحد، پیمایش جرم، (تهران: دانشگاه علوم انتظامی، ۱۳۹۵)، ص ۶۲.

۴۷. شهلا، معظمی، پیشین، صص ۱۸۹-۱۹۰.

اختیارات گسترده پلیس و مقامات قضایی دادرسی عادلانه را به مخاطره می‌اندازد، علاوه بر این حقوق و آزادی‌های افراد و حرمت انسان‌ها به خطر می‌افتد.^{۴۸} پلیس ایران برای کنترل و پاسخ‌دهی به افرادی که آن‌ها را «اراذل و اوباش» می‌نامد، اقدام به اجرای طرحی به نام، «طرح ارتقاء امنیت اجتماعی - مبارزه با اراذل و اوباش» نمود که برخلاف تصور رایج مبنی بر روشن بودن مفهوم «اراذل و اوباش»، با به‌کارگیری جرم‌شناسی فرهنگی به‌عنوان چارچوب نظری، نشان می‌دهد که اولاً اصطلاح «اراذل و اوباش» بیشتر از آنکه معنای مشخص حقوقی داشته باشد، برساخته‌ای پلیسی - قضایی است. ثانیاً این مفهوم کاملاً جنبه خرده‌فرهنگی دارد و بدون توجه به آن، نتیجه محتوم سیاست‌ها و برنامه‌هایی که برای کنترل آن اجرا می‌شود، شکست است. ثالثاً مقامات نظام عدالت کیفری با استفاده از این اصطلاح به‌مثابه برچسبی مجرمانه، خود در فرایند هویت‌دهی به مخاطبان «طرح» و درنهایت تقویت خرده‌فرهنگ خشونت‌بار تأثیر دارند. در نظر گرفتن این بینش‌های سه‌گانه باعث می‌شود که نظام کیفری به‌جای روی آوردن به اقدامات سرکوبگر، تنبیهی و نمایشی در این زمینه به سراغ پاسخ‌های انطباقی و مبتنی بر آموزه‌های جرم‌شناسانه رفته، در فرایند پاسخ‌دهی به مسئله «اراذل و اوباش» خود به بخشی از «مسئله» تبدیل نشود.^{۴۹}

۳.۴. بی‌حرمت شدن قوانین

به تعبیر دورکیم، اگر می‌خواهید آمار جرم در جامعه کاهش یابد، تلاش کنید تا مردم احترام به قوانین را حفظ کنند.^{۵۰} بنابراین، بر اساس گزینش جرم‌انگاری فراگیر از سوی قانون‌گذار، این نحوه جرم‌انگاری موجب می‌شود یک بالاتکلیفی اساسی برای افراد ایجاد شده، شهروندان این انتظار را داشته باشند که ممکن است هر لحظه یکی از رفتارهای آنان جرم تلقی شود. این امر زندگی را بر آنان سخت می‌کند؛ زیرا در یک جامعه سالم، اصل اولیه وجود منطقه آزاد رفتاری به‌طور گسترده است و منطقه ممنوعه رفتاری یک امر محدودکننده

۴۸. محمد جواد، فتحی و ، دادیار، هادی جایگاه دادستان در سیاست جنایی نوین و الزامات دادرسی عادلانه، نشریه مطالعات حقوق تطبیقی شماره ۷، (۱۳۹۲)، ص ۱۲۵.

۴۹. محمد، فرجیها و فرهاد، الله‌وردی، «برساخت اجتماعی «اراذل و اوباش» (چالش‌های مفهومی «طرح مبارزه با اراذل و اوباش» از منظر جرم‌شناسی فرهنگی)»، پژوهشنامه حقوق کیفری، ش ۲ (پیاپی ۱۸)، (۱۳۹۷)، ص ۶۵.

۵۰. امیل، دورکیم، قواعد روش جامعه‌شناسی، مترجم: محمدعلی کاردان، (تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چ ۵، ۱۳۷۳)، ص ۷۸.

است. وقتی این امر برعکس می‌شود، شهروندان دچار بهت و حیرت شده، اعتماد خود را نسبت به حاکمیت و جامعه از دست می‌دهند^{۵۱} و در این صورت، به‌طور کلی افراد نسبت به جرم‌انگاری و استفاده از اهرم کیفری از سوی دولت توجهی نکرده، رفتارهای مجرمانه در جامعه روند افزایشی خواهد یافت.

نتیجه

در مجموع، از منظر چالش‌های جرم‌انگارانه که باعث ایجاد چالش‌های حقوقی از قبیل نقض اصل قانونی بودن جرم و مجازات و تعدد گسترده جرایم به علت فراگیر شدن عناوین مجرمانه مختلف برای یک رفتار مجرمانه و بروز صورت‌های مختلف تعدد جرم و مجازات و نیز تشتت آرا خواهد بود و همچنین به جهت چالش‌های جرم‌شناختی به سبب امکان تفسیر موسع و سلیقه‌ای از جرایم عام و فراگیر، امکان تحدید آزادی‌های مشروع افراد در بستر قوانین وجود خواهد داشت که این موضوع باعث از بین رفتن آرامش روانی افراد جامعه خواهد بود و از طرفی حاکمیت قانون را به‌چالش کشیده، موجب کاهش اعتنای افراد و احاد جامعه به قانون شده، احترام و جایگاه قوانین تنزل خواهد یافت و در نتیجه، باعث کاهش استحکام ساختار حقوقی و جزایی و اقدامات تنبیهی و مجازات در یک نظام حقوقی خواهد شد.

البته باید یادآور شد آنچه مد نظر ما در این تحقیق است حذف عناوین مجرمانه فراگیر و یا حداقل تضییق عناوین و تبیین دقیق رکن مادی این‌گونه از جرایم در جرایم عمومی و تجاوز به حریم خصوصی از جمله رفتارهایی بر ضد اخلاق و عفت عمومی افراد جامعه است؛ ولیکن ممکن است در جرایم با فساد حداکثری من جمله اخلال در نظام پولی و بانکی یا اقتصادی و یا امنیتی، موضوع جرایم فراگیر نه‌تنها مورد ایراد و خدشه نباشد، بلکه از جهت حفظ نظام اقتصادی و امنیتی یک جامعه مورد حمایت نیز قرار بگیرد.

لذا، با در نظر داشتن بررسی آسیب‌شناسانه به شرح پیش‌گفته در مقاله حاضر، دو روش و راهکار برای پرهیز از بروز اشکالات یادشده پیشنهاد می‌شود:

۵۱. شارل لویی، منتسکیو، روح‌القوانین، مترجم: علی‌اکبر مهتدی، (تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۶)، ص ۱۶۴.

۱- تدقیق و تنقیح قوانین موضوعه و تصویب اصلاحات برای قوانین موجود و در صورت نیاز، وضع قوانین جدید به نحوی که جرایم فراگیر را احصا و دسته‌بندی، تعیین مصداق و عنوان‌بندی نماید و ناسخ موادی از قوانین سابق که دربرگیرنده عناوین مجرمانه فراگیر بوده‌اند، شود.

۲- الزام قضات و دادرس‌ها در خصوص جرایم فراگیر به استرشاد از مراجع نظارتی یا مشورتی و یا صدور قرار عدم صلاحیت به صلاحیت مرجع بالاتر، برای مثال، دیوان عالی کشور و یا هیئتی از قضات در هر دادسرا به گونه‌ای که به‌مرور به صدور آرای به‌شکل آرای وحدت رویه منجر شود تا به‌نحوی، عناوین مجرمانه از جرایم فراگیر احصا شده، به‌طور کلی ملاک عمل قرار گیرد.

منابع و مأخذ

الف) فارسی

- کتاب‌ها

۱. * قرآن کریم*، مترجم: مهدی الهی قمشه‌ای
۲. اردبیلی، محمدعلی، حقوق جزای عمومی، ج ۲، (تهران: میزان، ۱۳۹۳).
۳. اردبیلی، احمدبن محمد، زیاده‌البیان، مترجم: محمدباقر بهبودی (مکتبه المرتضویه، بی تا).
۴. حبیبزاده، محمد جعفر، بررسی جرم محاربه و افساد فی الارض، (تهران: انتشارات کیهان، ۱۳۷۰).
۵. حر عاملی، محمدبن الحسن، وسائل الشیعه، (بیروت: موسسه آل‌البیت لاحیاء التراث، ۱۴۱۴ ق).
۶. خوانساری، سید احمد، جامع المدارک فی شرح المختصر النافع، ج ۷، (قم: مؤسسه اسماعیلیان، چ ۲، ۱۴۰۵ ق).
۷. دریاباری، محمدرضا، دادگاه ویژه روحانیت، ج ۱، (تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۳).
۸. ستوده، هدایت‌اله، آسیب‌شناسی اجتماعی، (بی جا: آوای نور، ۱۳۸۰).
۹. سپهوند، امیرخان، جرایم علیه اشخاص، (تهران: مجد، ۱۳۸۶).
۱۰. طاهری نسب، سید یزداله، تعدد و تکرار جرم در حقوق جزا، (تهران: دانشور، ۱۳۸۱).
۱۱. فاضل لنکرانی، محمد، تفصیل التشریح کتاب الحدود، (قم: مرکز فقه ائمه اطهار، ۱۴۲۲ ق).
۱۲. صانعی، پرویز، حقوق جزای عمومی، (تهران: انتشارات طرح نو، ۱۳۸۲).
۱۳. کی‌نیا، مهدی، جرم‌شناسی، (تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۶).
۱۴. معظمی، شهلا، بزهکاری کودکان و نوجوانان، (تهران: دادگستر، ۱۳۸۴).
۱۵. مکارم شیرازی، ناصر، دائرةالمعارف فقه مقارن، ج ۱، (قم: مدرسه‌الامام علی بن ابی طالب، ۱۳۸۵).
۱۶. شارل لویی، منتسکیو، روح القوانین، مترجم: علی‌اکبر مهتدی، (تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۶).
۱۷. مؤمن، محمد، کلمات سدید، (قم: جامعه مدرسین، چ ۱، ۱۴۱۵ ق)

۱۸. میرمحمدصادقی، حسین، *جرایم علیه اشخاص*، (تهران: میزان، ج ۱، ۱۳۹۲)
۱۹. نجفی، محمدحسن، *جواهرالکلام*، (تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳) نجیب‌حسینی، محمود، *رابطه سببیت در حقوق کیفری*، مترجم: سیدعلی عباس‌نیای زارع، (مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی، چ ۲، ۱۳۸۶)
۲۰. نوربها، رضا، *زمینه حقوق جزای عمومی*، (تهران: گنج‌دانش، چ ۷، ۱۳۸۰)
۲۱. وروایی، اکبر و فاطمی موحد، حمید، *پیمایش جرم*، (تهران: دانشگاه علوم انتظامی، ۱۳۹۵).
۲۲. هاشمی شاهرودی، سید محمود، *فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت*، (قم: مؤسسه دائرةالمعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت، ۱۴۲۶ ق)

– مقالات

۲۳. افتخار جهرمی، گودرز، «اصل قانونی بودن جرم و مجازات»، *مجله تحقیقات حقوقی*، ش ۲۵ و ۲۶ (۱۳۷۸).
۲۴. افشین‌پور، مصطفی و نقوی، مهدی، «سیاست کیفری ناهمگون قانون مجازات اسلامی در تعدیل کیفر»، *مجله مطالعات حقوق تطبیقی معاصر*، ش ۲۳، (۱۴۰۰)
۲۵. آخوندی، محمود، «اثبات جرایم منافی عفت از نگاهی دیگر»، *مجله مطالعات راهبردی زنان*، ش ۲۲ (۱۳۸۲).
۲۶. برهانی، محسن، «افساد فی الارض: ابهام مفهومی، مفاسد عملی (تحلیل حقوقی ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی)»، *مجله مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی*، ش ۲-۳ (۱۳۹۴).
۲۷. حبیب‌زاده، محمدجعفر و محقق‌داماد، سید مصطفی، «اصل قانونی بودن جرم و مجازات در حقوق کیفری ایران»، *نشریه علمی دانشگاه شاهد*، ش ۹ و ۱۰ (۱۳۷۴).
۲۸. زراعت، عباس، «تمایز حالت تعدد معنوی جرایم از عناوین مشابه»، *فصلنامه حقوق*، دوره ۴۳ (۱۳۹۲).
۲۹. فتحی، محمد جواد و هادی، دادیار، جایگاه دادستان در سیاست جنایی نوین و الزامات دادرسی عادلانه، *مجله مطالعات حقوق تطبیقی معاصر*، ش ۷، (۱۳۹۲).
۳۰. قیاسی، جلال‌الدین، «بررسی وحدت یا تعدد جرم در حالت تعدد نتیجه»، *فصلنامه فقه و حقوق*، ش ۲۰ (۱۳۸۸).

۳۱. غلامی، علی، افساد فی الارض و جرایم علیه اخلاق، *پژوهشنامه حقوق اسلامی*، ۱۳۸۹، ش ۲، (۱۳۸۹).
۳۲. مهدوی، محمود؛ ساداتی، سید محمدمهدی؛ حسینی، سید محمد، «مبانی جرم‌انگاری جرایم اقتصادی در فقه امامیه»، *مجله مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی*، ش ۱، (۱۳۹۶).
۳۳. هاشمی، سید حسین و کوشا، جعفر، «بررسی تعارض اصل ۱۶۷ قانون اساسی با اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها»، *نامه مفید*، ش ۲۶ (۱۳۸۰).
۳۴. هاشمی شاهرودی، سید محمود، «محارب کیست محاربه چیست؟»، *فقه اهل بیت*، ش ۱۲ و ۱۱ (۱۳۷۶).
۳۵. فرجیها، محمد و الله‌وردی، فرهاد، «برساخت اجتماعی «اراذل و اوباش» (چالش‌های مفهومی طرح مبارزه با اراذل و اوباش» از منظر جرم‌شناسی فرهنگی)، *پژوهشنامه حقوق کیفری*، ش ۲، (۱۳۹۷).
۳۶. کوراهی مقدم، کیانوش و حبیب‌زاده، محمدجعفر، «ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی و رویارویی آن با اصل قانونی بودن جرم و مجازات»، *دانشور پژوهشی*، ش ۳۹، (۱۳۸۱).
۳۷. نیازپور، امیرحسین، دادگاه‌های کیفری رسیدگی‌کننده به جرم‌های اطفال و نوجوانان، *مجله مطالعات حقوق تطبیقی معاصر*، ش ۱۵، (۱۳۹۶).

- رساله

۳۸. آقابائی، حسین، *مطالعه تطبیقی سیاست کیفری ایران، مصر و انگلستان در قبال جرم براندازی*، رساله دکتری، مدرسه عالی شهید مطهری، ۱۳۸۴.

(ب) انگلیسی

- Books

39. Dubler, Robert & kalyk, Matthew, *Crimes against humanity in the 21st century*, Brill Nijhoff publication, Boston, 2018
40. Werle, Gerhard, *Individual Criminal Responsibility in Article 25 ICC Statute*, at International Criminal Court on November 27: <http://jicj.oxfordjournals.org> 2014.

41. Bonger, W. *Criminality and Economic Conditions*. Boston, Massachusetts: Little, Brown and Company (Translation of *Criminalité et conditions économiques* 1905), 1916. 174.
42. Bunic, Dragan. *Criminalistique économique*, tom 1, éd, je publie, 2010.
43. Bussmann, Kai-D & Markus M. Werel. *Addressing Crime in Companies; First Findings from a Global Survey of Economic Crime*, British Journal of Criminology, Volume 46, Issue 6, 2006.
44. Chaudet, François. *Droit suisse des affaires*, 2ème édition, HELBING & LICHTENHAHN, Genève 2000.
45. Conseil de l'Europe, *la criminalité des affaires*, Recommandation no (81), 12, 25 juin 1981.

- Online References

46. <https://dictionary.cambridge.org/dictionary/english/catch-all>
47. <https://doi.org/10.1016/j.jcrimjus.2020.101684>
48. <https://doi.org/10.1016/j.jcrimjus.2020.101657>
49. <https://doi.org/10.1016/j.ijlcj.2020.100389>
50. <https://doi.org/10.1016/j.ijlcj.2019.100366>
51. <https://doi.org/10.1016/j.fsidi.2020.300918>
52. <https://doi.org/10.1016/j.jcrimjus.2017.10.004>

- قوانین و مقررات

۱. آیین‌نامه دادرسی و دادگاه‌های ویژه روحانیت مصوب ۱۳۶۹/۰۵/۱۴.
۲. قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲.
۳. قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹.
۴. قانون مجازات اخلاک‌گران در نظام اقتصادی کشور.